

یادداشت

انزوگرایی تهاجمی ترامپ



علی نصری

پژوهشگر روابط بین الملل

سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ در عرصه بین‌المللی ترکیبی پارادوکسیکال از انزوگرایی و رفتارهای تهاجمی را به نمایش می‌گذارد که می‌توان آن را در چارچوب یک استراتژی «عقب‌نشینی کنترل‌شده» تحلیل کرد. این رویکرد با هدف کاهش حضور فعال ایالات متحده در صحنه جهانی طراحی شده است، اما به‌گونه‌ای که از پر شدن خلأ قدرت توسط دیگر بازیگران بین‌المللی نیز جلوگیری کند. این استراتژی شباهت‌هایی با عقب‌نشینی امپراتوری بریتانیا در قرن بیستم دارد، زمانی که بریتانیا به‌تدریج از مستعمرات خود کناره‌گیری کرد، اما با حفظ نفوذ اقتصادی و سیاسی در مناطق کلیدی، تلاش نمود تا رقبای نوظهور را مهار کند. با این حال، برخلاف بریتانیا که عقب‌نشینی‌اش عمدتاً واکنشی به ضعف داخلی و فشارهای خارجی بود و باعث جایگزین شدن هژمونی‌اش توسط آمریکا شد، رویکرد ترامپ فعالانه‌تر و تهاجمی‌تر طراحی شده است. استراتژی ترامپ بر دو محور استوار است؛ نخست، ایجاد آشوب و بی‌ثباتی در نظم جهانی موجود، و دوم، حمایت از گفتمان‌های ناسیونالیستی و انزوگرایانه در سطح جهان. این دو محور در کنار هم، کشورها را به سمت تمرکز بر مشکلات داخلی سوق می‌دهند و از شکل‌گیری اتحاد‌های نوظهور یا تقویت پیوندهای موجود جلوگیری می‌کنند. تأیید این رویکرد را می‌توان در سخنرانی‌های وی و نوس در کنفرانس امنیتی مونیخ در ۱۴ فوریه ۲۰۲۵ دید، جایی که او از دولت‌های اروپایی به دلیل آنچه «عقب‌نشینی از ارزش‌های تمدنی غرب» خواند به شدت انتقاد نمود و در طی سفرش به آلمان به طور ضمنی از حزب آلترناتیو برای آلمان حمایت کرد. یکی از ستون‌های کلیدی این استراتژی، کاهش تعهدات بین‌المللی ایالات متحده از طریق تضعیف قدرت نرم این کشور از یک سو، و به حاشیه راندن نهاد‌های بین‌المللی، از سوی دیگر است. به عنوان مثال، کاهش بودجه سازمان‌هایی مانند آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده، که با فشار ایران ماسک و دولت جدید به تعطیلی موقت کشیده شد، نشان‌دهنده عقب‌نشینی تدریجی آمریکا از نقش سنتی خود در نظام جهانی است. اما هم‌زمان، ترامپ تلاش کرده تا با تضعیف سازمان‌هایی نظیر ناتو، گروه بریکس، و دیوان دادگستری بین‌المللی، مشروعیت قوانین و عرف‌های بین‌المللی را نیز سؤال ببرد. مهارت‌های طراحی ابزارهای اقتصادی و سیاسی نیز بخش جدایی‌ناپذیر این استراتژی است. افزایش تعرفه‌های تجاری علیه چین، اعمال فشار بر کشورهای آمریکای لاتین و کانادا، و تهدید به وضع تعرفه‌های جدید علیه اتحادیه اروپا، همگی با هدف ممانعت از ظهور بلوک‌های مستقل و قدرتمند طراحی شده‌اند. این رویکرد یادآور تلاش‌های بریتانیا در دوران افول امپراتوری‌اش برای حفظ سلطه تجاری از طریق سیاست‌های اقتصادی است، با این تفاوت که ترامپ از ابزارهای مدرن مانند تعرفه‌ها و تحریم‌ها بهره می‌برد. فشار اقتصادی بر متحدان سنتی آمریکا، مانند اروپا، هر چند در بین رهبران این کشورها نگرانی‌های فراوانی ایجاد کرده، اما احزاب راست‌گرای این کشورها، این فشارها را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند یا بعضاً توجیه می‌کنند. ترامپ همچنین از فضای ابهام‌آلود و بحرانی به عنوان اهرم‌های فشار بهره می‌جوید. به‌عنوان نمونه، تعامل گزینشی با روسیه برای ایجاد شکاف در اروپا و بهره‌برداری از بحران اوکراین برای تضعیف پیوندهای سنتی و تاریخی میان ایالات متحده و متحدان اروپایی‌اش، نشان‌دهنده استفاده ابزاری از تنش‌ها است. مذاکرات میان مقامات آمریکایی و روس در ریاض، بدون حضور اوکراین، این سیاست را تأیید می‌کند. در غرب آسیا نیز طرح مسائل چالش‌برانگیز مانند پیشنه‌های چندجانبی تصرف غزه توسط آمریکا که با انتقادات شدید توسط کشورهای منطقه مواجه شد، با هدف ابهام‌آلود و غیرقابل پیش‌بینی کردن شرایط و برهم زدن نظم موجود و جلوگیری از ظهور قدرت‌های منطقه‌ای جدید دنبال می‌شود. در نهایت، استراتژی انزوگرایی تهاجمی و عقب‌نشینی کنترل‌شده ترامپ فقط به دنبال خروج تدریجی ایالات متحده از عرصه جهانی است، بلکه دیگر قدرت‌ها را نیز به انزوای اجباری سوق می‌دهد. این رویکرد ممکن است در کوتاه‌مدت منافعی برای آمریکا به همراه داشته باشد، اما در بلندمدت خطر بروز بحران‌های جهانی و تحولات ژئوپلیتیکی پیش‌بینی‌ناپذیر را افزایش می‌دهد. در مقایسه با بریتانیا، که عقب‌نشینی‌اش به فروپاشی تدریجی نظم استعماری و ظهور قدرت‌های جدید مانند ایالات متحده منجر شد، استراتژی ترامپ با بهره‌گیری از این موج قدرتمند در جهان غرب، می‌تواند نظم بین‌المللی را به نفع یک انزوگرایی هماهنگ بازسازی کند.

تقی آزادارمکی در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی»:

جامعه ایران در آستانه یک انتخاب سخت قرار گرفته است

ایران و آمریکا وارد یک مسیر سخت و جانکاه خواهند شد

ایران و ترامپ علاقه‌ای به جنگ ندارند

جبهه پایداری هیچ اقدام مثبتی در کشور انجام نداده است

شنبه
۱۴۰۳ • ۱۲ • ۰۴
شماره هشتم
شماره ۲۰۵۲

armanmeli.ir



آرمان‌ملی - احسان انصاری: ترامپ در اظهارات اخیر خود به صراحت عنوان کرد که فشار حداکثری را به ایران بازگردانده است. این در حالی است که دولت پزشکیان هنوز رویکرد مشخصی برای کاهش و یا لغو تحریم‌ها در پیش نگرفته است. در چنین شرایطی واکنش جامعه به اتفاقات آینده در زمینه داخلی و خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. «آرمان‌ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین تغییرات اجتماعی در چشم‌انداز آینده ایران با دکتر تقی آزادارمکی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده است. آزادارمکی معتقد است: «واقعیت غیر قابل انکار این است که نگاه ما تاکنون در حوزه مدیریتی، به شکل خاصی ایدئولوژیک بوده و جامعه کم‌کم به تغییر و تحول در چنین

نگاهی نزدیک شده است. در ساحت دین و خانواده نیز نگاه‌های گذشته در حال تغییر است. سوال مهم در این زمینه این است که در این تحولات دشوار چه کسی ممکن است در نهایت دچار ضربه و ضرر شود؟ من در پاسخ عنوان می‌کنم آنکه ضرر خواهد کرد ایران خواهد بود. برنده بازی کسی است که منتظر اتفاق بعدی نشسته است. جامعه به این نتیجه رسیده که به جای اینکه برای خود هزینه ایجاد کند، صبر داشته باشد تا نیروی رادیکال و تندروهایی که اصلاً و ابداً به منافع ملی نظر ندارند، دچار فرسایش و خسران درونی شده تا در نهایت از درون فروپاشد. در چنین شرایطی تغییر امکان‌پذیر خواهد شد.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

خیابان و بالا بردن سطح تنش، اگر به خشونت کشیده شود، هر دو سوی ماجرا لطمه خواهند خورد و به خوبی می‌داند که هر دو ما جارا، فرزندان همین کشور هستند. درست است که جامعه این راه را به آسانی انتخاب نخواهد کرد اما آیا جامعه به عقب باز می‌گردد؟ پاسخ منفی است. جامعه مسیری را که آغاز کرده دنبال می‌کند تا به اهداف خود دست پیدا کند. وضعیت باید تغییر کند و این هدف مهم جامعه مدنی است. اگرچه این تغییر باید در ساحت‌های مختلف صورت بگیرد، اما بدون خشونت نباید باشد. امروز جامعه مدنی به رویکرد رادیکال تن نمی‌دهد. تن ندادن با ترک کردن صحنه و یا در مقابل گروه رادیکال ایستادن تفاوت دارد.

می‌توان گفتمان حاکم بر جامعه را گفتمان حافظ و سعدی و مولوی قرار داد و از آموزه‌های انسانی آنها درس گرفت. باید دنبال مفاهیمی برویم که بوی همزیستی و رویکرد مسالمت‌آمیز از آن استشمام می‌شود.

قرار ندارد، بلکه این جریان در مقابل خودش قرار گرفته است. امروز جامعه نگاه خاص خود را به نظام سیاسی دارد. جامعه در حالی کنشگری است، اما در شرایطی نیست که بخواهد موجب گسترش رادیکالیسم و بنیادگرایی و تندروی شود. جامعه نگاه متعادلی به مسائل دارد و از این رو نگاهی که به رادیکالیسم و تندروی دارد، نگاه مثبتی نیست و حتی می‌توان رگه‌هایی از استهزا را هم دید اما در عین حال نسبت به این جریان آگاهی از خوبی به دست آورده است. به عنوان مثال در نوع پوشش علاقه‌ای ندارد که وارد دیگری به این جریان‌ها شود. تفاوت‌ها درازمدت احتمال دارد تحولی پدیدآید و زمینه برای گفت‌وگو و تعامل ایجاد شود. اگر چنین شد، وارد یک گفت‌وگوی سخت و جانکاه با آمریکا خواهیم شد. در واقع این راه محتوم برای طرفین است. باید یادآوری کرد که نکته مهم این است که هرچه زودتر باید تکلیف گروه‌های تندرو و رادیکال مشخص شود. به عنوان مثال جبهه پایداری تاکنون مسئولیت هیچ اقدامی را در کشور برعهده نگرفته است درحالی که از روز اول، روش سیاست‌ورزی آنها، بنیادگرایانه، تند و افراطی و در نهایت مخرب بوده است. از این روزگاری است که نظام سیاسی و ساختار تصمیم‌گیری کشور همچنان مبتنی بر عقل‌گرایی باشد و اجازه ندهد که تندروها وارد حیطه تصمیم‌گیری شوند، بلکه باید بدون اغماض با گروه‌های تندرو برخورد شده و اگر نتوانند پذیری عقل‌گرایی و خردورزی شوند، در آن صورت باید آنها را از صحنه سیاسی کشور بیرون کرد. جامعه ایران در آستانه یک انتخاب سخت قرار گرفته است. نظام سیاسی و گروه‌های سیاسی نیز به نوبه خود در آستانه انتخاب سخت قرار دارند. به همین دلیل باید در ابتدا تکلیف خود را مشخص کنیم که قرار است در چه مسیری حرکت کنیم. قبل از اتخاذ هر تصمیمی برای عبور از وضعیت فعلی، مسئولان کشور باید اشتباهات خود را بپذیرند و این را در نظر داشته باشند که در برخی زمینه‌ها عملکرد خوبی نداشته‌اند.

آیا جامعه ایران در شرایط کنونی از عقلانیت تاریخی خود برای پیشبرد اهدافش استفاده می‌کند؟

جامعه مدتی منتظر می‌ماند تا گروه‌های تندرویی که در گلوگاه‌ها مسلط شده‌اند، به دلیل همان رویارویی که گفته شد، از درون دچار انحطاط شده و نیروی خود را از دست بدهند، تا پس از آن به سادگی تحول و تغییر صورت بگیرد. نکته مهم که وجود دارد این است که در ایران جامعه مدنی همواره با انجام ندادن نتوانسته به دستاورد مورد نظرش برسد تا انجام دادن و این نکته غریبی است. امروز جامعه مدنی با انجام ندادن برخی کارها و رفتارها، دنبال اهداف خود است تا کنشگری در خیابان و بالا بردن حرارت. جامعه متوجه این نکته شده که هزینه حضور در خیابان، بسیار سنگین است و به خوبی این واقعیت را درک کرده است. جامعه خیلی سریع متوجه شد که حضور در

امام جمعه کرج

همه مسائل محله‌ها در اختیار امام جماعت

مساجد است

چنین دامی بیندازند؛ نگاهی به دور و خود بکنند و ببینند آمریکا، اوکراین را به چه خفتی انداخته است. وی افزود: آدم دلقکی می‌آید از خودشان بود را رئیس‌جمهور کردند و بعد هم

واداده‌های غرب‌گرا و غرب‌زده داخلی، اوضاع اوکراین و آمریکا را ببیند، اینها که دلشان برای آمریکا بر می‌کشد و وقتی اسم آمریکا می‌آید از خود بیخود می‌شوند و آرزو دارند ملت را در

امام جمعه کرج گفت: انمه مساجد امام محل هستند امام را باید تکريم كنيد. هيات همه بايد با آنها تعامل داشته باشند. هيات اما بايد با تركيب سني درست شامل افراد با تجربه، جوان و بانوان معين امام مسجد باشند. ما چیزی به نام امام جماعت که فقط در مسجد نماز بخواند و بیرون نداریم. همه امور مسجد در اختیار امام است مسائل محله در اختیار امام است کارها باید با او هماهنگ شود. سید محمد مهدی حسینی همدانی در خطبه‌های نماز جمعه کرج گفت:

تلنگر

استراتژی او با ما تکرار خواهد شد؟

بازی شکست خورده

دونالد ترامپ چندی پیش ادعا کرد برای دستیابی به «توافقنامه صلح هسته‌ای» با ایران رایزنی خواهد کرد، چرا که می‌خواهد با دستیابی به توافقی در این باره بستر را برای جلوگیری از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران هموار و مانع از هرگونه فعل و انفعال نظامی شود. نیویورک تایمز مدعی شد، این در حالی است که ترامپ در دوره نخست ریاستش از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ موسوم به برجام خارج و عملاً خواستار پایان این توافق شد. ترامپ با انتشار پستی در شبکه اجتماعی‌اش نوشت که ایالات متحده و ایران باید فوراً در باب توافقی رایزنی داشته باشند و پس از امضا و تکمیل آن جشن بزرگ خاورمیانه برگزار کنند. ترامپ همچنین خاطر نشان کرد: می‌خواهم ایران کشوری بزرگ و موفق باشد، اما کشوری که نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد.

ترامپ و فشار حداکثری!

تعهد دیپلماتیک رئیس‌جمهور تنها چند ساعت پس از اعلام استراتژی فشار حداکثری‌اش علیه تهران رسانه‌ای شد. پیش‌تر رئیس‌جمهوری آمریکا در دوره نخست ریاستش به کمپین «فشار حداکثری» متوسل شد تا با توسل به تحریم‌های اقتصادی گسترده و سایر اقدامات طراحی شده تهران را در انزوا قرار دهد، به ادعای ناظران، فعل و انفعال‌های منطقه‌ای تهران تهدیدی (ادعایی) برای آمریکا است. ترامپ در دستوری که روز سه‌شنبه هفته گذشته اعلام کرد، مدعی شد: به نفع منافع ملی هر بازیگری است که حداکثر فشار را بر ایران اعمال کند. این دستور واکنش تند دولت ایران را به دنبال داشت. تهران در بیانیه‌ای اعلام کرد که به دنبال سلاح هسته‌ای نیست و نیازی به فشارهای اقتصادی از سوی ایالات متحده وجود ندارد. در همین راستا، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران گفت: «فشار حداکثری آزمایش شکست خورده است و تلاش مجدد آن به شکست دیگری منجر خواهد شد.» به گفته وزیر امور خارجه ایران، اگر مسئله اصلی این است که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نباشد، این امر قابل دستیابی است، چرا که تهران به واسطه فتوای رهبری چنین قصدی ندارد. در این میان، مقامات اطلاعاتی آمریکا مدعی‌اند که ایران هنوز تصمیمی برای عبور از آستانه گریز هسته‌ای اتخاذ نکرده است. اما آن‌ها اعلام کرده‌اند که تهران به غنی‌سازی اورانیوم برای عبور از آستانه گریز هسته‌ای ادامه داده و بررسی کرده‌اند که چگونه می‌توانند در چند روز یا چند هفته در صورت لزوم، به خواسته‌های ادعایی هسته‌ای دست یابند. به نوشته اقتصاد نیوز و به روایت دست‌اندرکاران، ترامپ بارها گفت که ایران هرگز نباید بتواند از آستانه گریز هسته‌ای عبور کند، اما از پاسخ به پرسش‌هایی درباره اینکه آیا ایالات متحده با اسرائیل در اقدامات متجاوزانه فرزی ادعایی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران، مشارکت خواهد کرد، طفره رفت. در عوض، رئیس‌جمهور مدعی شد که فرمان اجرایی جدید تهدیدی برای ایران خواهد بود که اگر این کشور به دنبال سلاح هسته‌ای ادعایی یا گسترش دامنه فعالیت‌های منطقه‌ای انجام ایالات متحده تحریم‌هایی را با تأثیرات مخرب اقتصادی اعمال خواهد کرد.

چرخش ترامپ

اولتیه نشان داده که ترجیح می‌دهد نوعی راه دیپلماتیک برای راه‌حلی با ایران بیابد. ترامپ هنگام امضای دستور «فشار حداکثری» در دفتر بیضی شکل در گفت‌وگو با خبرنگاران مدعی شد: «همه از من می‌خواهند که این دستور را امضا کنم. من این کار را خواهم کرد. برای ایران خیلی سخت است. این همان رویکردی است که بیشتر از آن استفاده کردیم. من قصد دارم آن را امضا کنم، اما امیدوارم که مجبور نباشیم زیاد از آن استفاده کنیم. ما خواهیم دید که آیا می‌توانیم توافقی با ایران داشته باشیم یا نه و همه می‌توانند با هم زندگی کنند.» ترامپ در ادامه ادعا کرد: «شاید این امکان‌پذیر باشد و شاید امکان‌پذیر نباشد. بنابراین من این را امضا می‌کنم و از انجام آن ناراضی هستم.» ترامپ همچنین مدعی شد: «گزارش‌ها مبنی بر اینکه ایالات متحده، هدف قرار دهد، اغراق‌آمیز است و توافق صلح هسته‌ای تأیید شده را ترجیح می‌دهم که به ایران اجازه رشد و شکوفایی مسالمت‌آمیز را بدهد.» تمایل رئیس‌جمهور برای شرکت در مذاکرات، چرخشی در سیاست دوره نخست ریاست جمهوری‌اش است، زمانی که او اغلب باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق را به دلیل موافقت با توافق هسته‌ای با ایران به سخره می‌گرفت. براساس برجام، ایران ۹۷ درصد از غنی‌سازی خود را واگذار و کار تحقیق و توسعه خود را محدود کرد، اما همه تاسیسات خود را کنار نگذاشت. ترامپ توافق به دست آمده توسط اوباما را «در هسته خود ناقص» خواند و گفت که «وحشتناک» و «بدترین» توافقی است که تاکنون انجام شده است. اکنون به نظر می‌رسد که رئیس‌جمهور مایل است خود این مسیر را بیازماید. ایران نیز ظاهراً برای مذاکره تمایل دارد، اما به ادعای ناظران ظرفیت تهران برای تغییر دکترین هسته‌ای‌اش ممکن است برای این کشور عامل بازدارنده باشد، با‌الاض بعد از تغییر معادلات در خاورمیانه و تحول در تحولات محور مقاومت.